

یکشنبه

۲۵ آذر ۱۴۰۳

سال بیست‌ویکم • شماره ۵۰۰۰

عبدالرحمن فتح‌الهی؛ در تمام سال‌های بحران جنگ داخلی در سوریه همواره نوع بازیگری ترکیه و سیاست اردوغان محل بحث بوده است. اکنون پس از سقوط حکومت اسد و ورود سوریه به دوران پسابشار این سؤال مهم در محافل رسانه‌ای و کارشناسی شکل گرفته است که اردوغان چه نگاهی به این کشور خواهد داشت؟ آیا سعی دارد بخشی از خاک این کشور را ذیل توجیه منطقه حائل به ترکیه الحاق کند یا در تلاش است ساختار سیاسی – اداری سوریه جدید به شکل جدی تحت حمایت و در سایه آنکارا باشد؟ هرچند که می‌توان به تحقق هر دو احتمال به شکل موازی هم فکر کرد چراکه هیچ از این دو گزاره مذکور نافی دیگری نیست. مضافاً این سؤال کلیدی وجود دارد که اساساً اردوغان چه کلان‌راهبردی را برای همسایگان ترکیه به خصوص با آغاز ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ تعریف کرده است؟ و این معادلات جدید چه شرایطی را برای ایران در منطقه رقم می‌زند؟
گفتنی است که به موازات این نکات تحولات جدید سوری علاوه بر معادلات پیرامونی بی‌شک در موازنه سیاسی داخلی ترکیه و سواستفاده اردوغان برای سنگین‌ترکردن وزنه خود هم اثرگذار است. بیرو آنچه بیان شد و تا اینجاى کار اردوغان طی سخنرانی خود در هشتمین کنفرانس منطقه‌ای حزب «عدالت و توسعه» در استان ساکاریا در شمال غرب ترکیه، لحن و ادبیات خود را تغییر داد و با اشاره به تحولات سوریه و برکناری دولت بشار اسد به مخالفان و منتقدانش تاخت و خطاب به آنها عنوان کرد «بهران اپوزیسیون ترکیه همیشه می‌پرستد که ترکیه در سوریه چه می‌کند؟ من به آنها می‌گویم، آیا می‌دانید که چرا ترکیه در سوریه است و چرا این مواضع را داشت؟ بشار اسد در حال حاضر کجاست و مخالفانی که ما از آنها حمایت کردیم، کجا هستند؟». رئیس‌جمهور ترکیه در ادامه این سخنان، جملاتی را بر زبان راند که در تحلیل بین خطوط این ادعاها، رنگ و بوی توسعه‌طلبی اردوغانی به مشام می‌رسد. چنانی که به گفته او، «اگر منطقه پس از جنگ جهانی دوم تقسیم نمی‌شد، شهرهای حلب، شام، حماه و حمص همانند شهرهای غازی‌عنتب، استانبول به عنوان شهرهای ترکیه باقی مانده بودند و ما همچنان در یک کشور واحد بودیم». به نوشته ایرنا، اردوغان با حمله به اپوزیسیون ترکیه این را هم افزود که «ما به راه خود در مبارزه و از بین بردن تروریسم ادامه خواهیم داد». وی با بیان اینکه قرن دوم ترکیه آغاز شده است، ادعان کرد «البته همه چیز گل و بلبل نیست، زیرا ما هنوز مشکلاتی برای حل‌کردن داریم و برای غلبه بر آنها موانعی وجود دارد». در حالی اردوغان با این جمله‌بندی خود و ارجاعش به تاریخ سعی در توجیه و زمینه‌سازی برای افکار عمومی با هدف تصرف و اشغال احتمالی بخشی از خاک سوریه دارد که رئیس‌جمهور ترکیه، شنبه هفته گذشته در سخنانی با بیان اینکه «نمی‌توانیم از رخدادها در سوریه چشم‌پوشی کنیم»، ادعا کرده بود که «ما چشم طمعى برای اشغال هیچ وحیی از خاک کشورهای دیگر نداریم». اردوغان در ادامه همین ادعاها تأکید داشت «واقعیت جدیدی در داخل سوریه با تمامی طیف‌هایش شکل گرفته است و به شهروندانش باز خواهد گشت». آن‌طورکه رئیس‌جمهور ترکیه مدعی شد «ما تمام تلاش خود را برای حفظ تمامیت ارضی انجام دادیم».

رمزگشایی از اولین سفر مقامات ترک به سوریه

پنجشنبه هفته گذشته بود که پایگاه کانال تلویزیونی «سوریا» نزدیک به جریانات حاکم بر سوریه خبر داد که وزارت اطلاع‌رسانی دولت انتقالی این کشور در این باره اعلام کرد که یک هیئت ترکیه‌ای – قطری متشکل از هاکان

«شرق» سیاست اردوغان در قبال سوریه، همسایگان ترکیه و ادعاهای او درباره مالکیت بر بخش‌هایی از سوریه را واکاوی می‌کند

رجب و رؤیای نوعثمانی

فیدان، وزیر امور خارجه و ابراهیم کالن، رئیس دستگاه اطلاعاتی ترکیه و خلفان الکعبی، رئیس دستگاه امنیت قطر به همراه شمار زیادی کارشناس مشاور وارد دمشق شدند. شبکه الجزیره هم خبر داد که یک هیئت ترکی به سرپرستی وزیر خارجه این کشور برای اولین بار پس از سقوط دولت بشار اسد وارد دمشق شده است. العربیه خبر دیگری منتشر کرد و گزارش داد «وزارت خارجه ترکیه گزارش‌ها مبنی بر سفر هاکان فیدان، وزیر خارجه این کشور به دمشق را تکذیب کرد». البته در فضای مجازی ویدیوی لحظه ورود ابراهیم کالن به مسجد الاموی در دمشق منتشر شد که نشان می‌دهد وزیر امور خارجه و رئیس دستگاه امنیتی ترکیه (میت) به دمشق سفر کرده‌اند. بنا بر گزارش الجزیره، «هیئت ترکی و قطری با ابومحمد الحولانی، رئیس هیئت تحریرالشام و محمد البشیر، رئیس دولت انتقالی دیدار کردند». این سفر پس از آن انجام شد که تشکیلات موسوم به اداره سیاسی وابسته به شورشیان سوری چهارشنبه هفته گذشته ابراز امیدواری کرد که سفارت آنکارا در دمشق به زودی بازگشایی شود.

در تحلیل و رمزگشایی این سفر، سایت «الف» به سه نکته مهم اشاره می‌کند و می‌نویسد: «اولاً، به نظر می‌رسد مسفر مذکور را باید نشانه‌ای از سرخوشی فزاینده و قابل توجه دانست که مقام‌های ارشد ترکیه‌ای در روزهای گذشته نسبت به تحولات سوریه پیدا کرده‌اند و از پرزودادن آن نیز ابایی نداشته‌اند. در روزهای گذشته رجب طیب اردوغان مدعی شده که وی در کنار پوتین تنها رهبران کارکنشسته جهان هستند یا اینکه بار دیگر وی ادعاهایی را مطرح کرده و گفته است که اگر جنگ جهانی دوم و مناسبات مطرح در قالب آن وجود نداشت، بخش بزرگی از خاک سوریه اکنون جزء قلمرو ترکیه بود. اردوغان و تیم متحدش در قدرت، در شرایط کنونی بیش از هر زمان دیگری سعی دارند خود را فاتح میدان سوریه نشان دهند. ازاین‌رو اینکه شاهدیم وزیر خارجه و رئیس سرویس اطلاعاتی ترکیه به طور هم‌زمان به سوریه سفر می‌کنند، در نوع خود این پیام را به ذهن مخابره می‌کند که آنکارا سعی دارد به همگان بفهماند که به بازیگر اصلی تحولات سوریه تبدیل شده است.»

نکته دوم این نوشته اشاره دارد «منتقدان اردوغان در سال‌های اخیر ندهایی‌سی جدی به جنس حکمرانی وی در حوزه‌های مختلف مطرح کرده‌اند. حال رئیس‌جمهور ترکیه و متحدانش در قدرت به واسطه فخرفروشی آنچه پیروزی خود در سوریه می‌خوانند، سعی دارند این نکته را برجسته کنند که سیاست‌های آنها برای ترکیه مفید و دستاوردساز است و ندهای منتقدانشان درست نیست» و در نهایت سومین نکته این نوشته ناظر بر این است که «اردوغان و تیم متحدش در قدرت، همواره بر توسعه نفوذ و قدرت ترکیه در محیط منطقه‌ای و بین‌المللی در قالب تفکرات نوعثمانی‌گری تأکید داشته‌اند. حال اینکه وزیر خارجه و رئیس سرویس اطلاعاتی ترکیه، در سوریه به عنوان کشوری که در سال‌های گذشته مشکلات جدی را در روابط خود با ترکیه داشته، حاضر می‌شوند و زُست فاتح و پیروز می‌گیرند، تفکر و نوع ایدئولوژی رهبران فعلی ترکیه را

«شرق» سیاست اردوغان در قبال سوریه، همسایگان ترکیه و ادعاهای او درباره مالکیت بر بخش‌هایی از سوریه را واکاوی می‌کند

رجب و رؤیای نوعثمانی

نشان می‌دهد. البته که اساساً همین جنس از تفکر ترکیه است که طیفی از کشورهای عربی و در عین حال بازیگران مؤثر نظیر ایران و روسیه را نیز در مقابل رویکردهای جاه‌طلبانه ترکیه قرار می‌دهد. معادله‌ای که نشان می‌دهد هیچ بعید نیست سرخوشی‌های فزاینده ترکیه با محوریت تحولات سوریه، خیلی زود به شکست‌های راهبردی برای این کشور تبدیل شود.»

سیاست‌های اردوغان چه خطراتی برای ایران دارد؟

در ادامه آنچه عنوان شد، پرسش مهم‌تر اینجاست که سیاست‌های توسعه‌طلبانه اردوغان در منطقه از خاورمیانه تا قفقاز که به شکل مستقیم می‌تواند منافع و امنیت ملی و حتی تمامیت ارضی ایران را تحت‌الشعاع قرار دهد، چه خطرات و تهدیداتی را برای تهران در پی دارد؟ در پاسخ به این سئوال، فارن‌پالیسی طی مطلبی به قلم ولی نصر، مشاور سابق اوپاما اعتقاد دارد «آنکارا به دنبال پرکردن خلا قدرت در منطقه است که با سقوط مهم‌ترین متحد تهران ایجاد شده است». به نوشته انتخاب در ادامه این مطلب آمده است «تحولات عظیم هفته‌های اخیر در لبنان و سوریه، از تضعیف حزب‌الله تا سقوط حکومت اسد، فصلی جدید را برای خاورمیانه آغاز کرده‌اند و پیامد محتمل‌تر، تشدید رقابت منطقه‌ای برای پرکردن خلا قدرتی است که از کاهش نفوذ ایران و متحدانش بر جای مانده است. آسیب به حزب‌الله تعادل قدرت میان ایران و اسرائیل را تغییر داده است و سقوط بشار اسد نیز می‌تواند کاهش نفوذ ایران را بیشتر کند». اما به‌زعم ولی نصر، «پیامد گسترده‌تر، تغییر تعادل قدرت میان ترکیه و سایر کشورهاست.»

در ادامه نوشته فارن‌پالیسی می‌خوانیم: «حمله برق‌آسای ۱۲ روزه که با تصرف دمشق توسط شورشیان سوریه به پایان رسید را می‌توان بازی قدرتی ماهرانه از نسوی ترکیه تحلیل کرد». به‌زعم نویسنده: «این نمایشی آشکار از توانایی ترکیه برای اعمال قدرت از طریق تحریرالشام و نیروهای متحد آن بوده است». به طوری که ترکیه جایگزین روسیه و ایران به عنوان قدرت مسلط خارجی در سوریه شده است». البته مقاله فارن‌پالیسی به این

نکته هم اشاره دارد: «به مرور زمان، دستاوردهای ترکیه در سوریه ممکن است نفوذ آن را به لبنان و عراق نیز بسط دهد، به‌ویژه که موضع ایران در این دو کشور با از دست دادن سوریه ضعیف‌تر می‌شود. این واقعیت، تعادل قدرت منطقه‌ای را به طرق مهمی تغییر می‌دهد. از یک رو این ضربه‌ای بزرگ برای ایران است. اما به همان اندازه نیز دستاوردهای ترکیه برای دیگر بازیگران منطقه دارای پیامدهایی خواهد بود و همه این بازیگران احتمالاً سیاست‌های خود را با توجه به این واقعیت جدید تنظیم خواهند کرد». به باور مشاور سابق اوپاما: «ارتباطات عربی و سنی آنها با فلسطینیان از ارتباطات ایران و حزب‌الله قوی‌تر است. بنابراین تهدید جدید متوجه مرزهای اسرائیل اکنون می‌تواند در نظم جدید سیاسی در حال شکل‌گیری در دمشق نهفته باشد که تحت حمایت آنکارا قرار دارد. تقویت یک قدرت منطقه‌ای به طور اجتناب‌ناپذیری منجر به بازآرایی و سپس تعیین

شرق

نفوذ تهران، هم در قفقاز و هم در غرب آسیا را به دنبال دارد. دراین‌باره و به نوشته مهر، افزایش تحركات نظامی-امنیتی جمهوری آذربایجان با هماهنگی اسرائیل - ترکیه، «زنگ خطر» را درباره آغاز جاه‌طلبی ارضی باکو در قبال ارمنستان به صدا درآورده است. یکی از دلایل تأکید آنکارا - باکو بر تکمیل «کریدور میانی» از مسیر دالان زنگزور، نفع اقتصادی این مسیر جدید برای دو کشور است. به گفته جیحون بایراموف، وزیر خارجه آذربایجان، با راه‌اندازی کریدور زنگزور حجم ترانزیت کالا از خاک این کشور بین پنج تا هشت تن در سال افزایش خواهد یافت. منطقه قفقاز جنوبی با قرارگرفتن در قلب اوراسیا و مرزهای جنوبی «هارتلند» به عنوان یکی از محل‌های تلاقی کریدور «شمال - جنوب» و «شرق - غرب» شناخته می‌شود. براساس برآوردهای انجام‌شده، ارزش اقتصادی این دو کریدور بیش از یک تریلیون دلار است. با در نظر گرفتن نکات فوق، ایران به دلیل داشتن جغرافیای وسیعی که می‌تواند اقیانوس هند را به آسیای مرکزی-قفقاز جنوبی متصل کند دارای جایگاهی ویژه در مسیرهای کریدوری است. طی سال‌های اخیر با گسترش دامنه نفوذ ناتو و اسرائیل در منطقه قفقاز، آمریکا سعی دارد از طریق همراهی باکو - آنکارا مسیر شمالی و جنوبی (روسیه و ایران) را دور زده و کریدور میانی را وارد فاز اجرایی کند. در چنین شرایطی تهران باید با توجه به «رقابت چین و آمریکا»، «رقابت چین و هند»، «مناقشه ارمنستان و جمهوری آذربایجان» و «بحران اوکراین» سیاست چندوجهی اتخاذ کرده و به سمت مدیریت تنش‌ها با آنکارا - باکو حرکت کند.

هم‌زمان با تلاش برای کلیدخوردن پروژه زنگزور، توسعه بیش‌ازپیش طرح‌های کریدوری قدرت‌های بزرگ در منطقه ایندوپاسفیک موجب روی آوردن دولت‌های بزرگ به سمت راه‌اندازی و تکمیل انواع مسیرهای جاده‌ای، ریلی، هوایی و بندری شده است. در روند پیشرفت و بازسازی بنادر حوزه خلیج فارس، توسعه بندر «فاو» با برنامه‌ریزی برای ایجاد قریب به ۱۰۰ اسلکه برای تخلیه و بارگیری انواع کالا، آب‌شیرین‌کن و احداث پالایشگاه و خط کانتینری نسبت خاصی با روند توسعه بنادر جنوبی و جایگاه کریدوی ایران دارد. این بندر با وسعت ۵۴ کیلومتر مربع در دورترین نقطه جنوب شرقی استان شیعه‌نشین بصره عراق واقع شده و مسئولیت توسعه آن به شرکت ایتالیایی «ایمپریچیلو» به ارزش شش میلیارد دلار واگذار شده است. این نقطه استراتژیک فقط محل اتصال عراق به آب‌های آزاد و رک حیاتی این کشور در اقتصاد جهانی است. این پروژه تا سال ۲۰۳۸ تکمیل خواهد شد و درآمد چهار میلیارد دلاری برای دولت مرکزی بغداد به همراه خواهد داشت.

غفلت ایران از توسعه زیرساخت‌های بندری و تحریم‌های یک و چندجانبه غرب علیه اقتصاد ملی ایران، موجب به حاشیه رفتن بنادر و پروژه‌های راهبردی ایران مانند طرح توسعه بندر شهید بهشتی چابهار و بندر شهید رجایی خواهد شد. در چنین شرایطی عراق جای ایران را در قالب خط کریدوری «جاده توسعه» برای اتصال منطقه خلیج‌فارس به ترکیه خواهد گرفت. بندر «فاو» ضمن کاهش زمان اتصال خلیج فارس به حوزه مدیترانه در مقایسه با کانال سوئز، ظرفیت پذیرش کشتی‌های غول‌پیکر را به دلیل آب‌کش وسیع دارد. درحالی‌که مقامات ایرانی خرسند از اتصال ریلی شلمچه - بصره برای انتقال مسافران هستند، بغداد و آنکارا به دنبال اتصال زیرساخت‌های ریلی دو کشور و ترسیم مسیر ترانزیتی جدید در غرب آسیا هستند. با تکمیل این روند نه‌تنها کشورهای حوزه خلیج فارس، بلکه متحدان سنتی ایران مانند چین و هند نیز ترجیح خواهند داد تا از طریق «جاده توسعه» به بازارهای اوراسیا دسترسی پیدا کنند.

لوتزین



SARMAN Co.

شرکت سرمان

1832 Dr. Shariati Ave. Next to Pol-E-Roomi Tehran IRAN



CONQUEST